



## Analysis of the Descriptive Lingual Level of Travel Diaries of Hajj Sayyah based on Fairclough's (Critical Discourse Analysis) Pattern

Mozhgan Dibaj \*

PhD in Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran

Bahador Bagheri

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran

Mohammad Parsanasab

Professor, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran

Mahdi Norian

Professor, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran

### Abstract


The Rhree-Dimensional Model of Critical Discourse Analysis Allows the Analyst to Examine the Reflection of Ideology and the Domination of the Power System by Intertextual Description of the Linguistic Signs and their Social Interpretation and Explanation. The Purpose of this Study is to Investigate the Ideology and Domination of the Power System in Different Intertextual and Extra-Textual Layers of Hajj Sayyah Memoirs. Research Findings Show that the Level of Description, Method and Frequency of vocabulary use, indicators, action verbs, positive and definite verbs, simple Sentences, and the Naming Process, at Three Levels of Vocabulary, Syntax, and text have a prominent relationship with the power system. In the section of Relational Values, the Use of Quotations, the Dominance of the Declarative Aspect, the Use of Pronouns Commensurate with the Social Dignity of the Reference, and the Organizational Aspects of the Dialogue are among the Factors Representing the Relationships between Actors and commensurate with their position of power and the relationship between Power and Ideology. At Expressive Values' Level, the Non-Metaphorical Nature of Language and the Use of Few Examples of it, Show the Author's explicit and reckless confrontation with the system of power. At the text Level, Two Different Constructions are Used in this Work. The Conclusion is that in the Reviewed work, the System of Power and Position of the Writer Regarded to it, has a Prominent Effect on the Use of Linguistic Signs at Different Lexical and Syntactic Levels.


**Keywords:** Critical Discourse Analysis, Norman Fairclough, Haj Sayyah Memoirs, Description.


\* Corresponding Author: raha.dibaj2010@yahoo.com


**How to Cite:** Dibaj, M., Bagheri, B., Parsanasab, M., Norian, M. (2021). Analysis of the Descriptive Lingual Level of Travel Diaries of Hajj Sayyah Based on Fairclough's (critical discourse analysis) Pattern. *Literary Text Research*, 25(90), 87-111. doi: 10.22054/ltr.2020.38677.2535.

## نشانه‌های زبانی در خاطرات حاج سیاح بر اساس الگوی فرکلاف

مژگان دیباج \*  دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

بهادر باقری  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

محمد پارسانسب  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مهدی نوریان  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

### چکیده

الگوی سه‌بعدی تحلیل انتقادی گفتمان، این امکان را فراهم می‌آورد که تحلیلگر با توصیف درون‌متنی نشانه‌های زبانی و تفسیر و تبیین اجتماعی آن‌ها بازتاب ایدئولوژی و سلطه نظام قدرت را بررسی کند. هدف از این پژوهش، بررسی ایدئولوژی و سلطه نظام قدرت در لایه‌های مختلف درون‌متنی و برون‌متنی خاطرات حاج سیاح است. یافته‌ها نشان می‌دهد در سطح توصیف، شیوه و بسامد کاربرد واژگان، شاخص‌ها، افعال کنشی، افعال مثبت و معلوم، جملات ساده و فرایند اسم‌سازی، در سه سطح واژگانی، نحوی و متن، ارتباطی برجسته با نظام قدرت دارد. در بخش ارزش‌های رابطه‌ای نیز کاربرد نقل‌قول‌ها، غلبه وجه خبری، کاربرد ضمیر متناسب با شأن اجتماعی مرجع و جنبه‌های سازمانی گفتگو از عوامل بازنماینده روابط کشمگران، متناسب با جایگاه قدرت ایشان است و رابطه قدرت و ایدئولوژی و زبان را نشان می‌دهد در سطح ارزش‌های بیانی نیز استعاری نبودن زبان و کاربرد نمونه‌های اندکی از آن، مواجهه صریح و بی‌پروای نویسنده با نظام قدرت را نشان می‌دهد. در سطح متن نیز، دو ساخت متفاوت در این اثر به کاررفته است. نتیجه آنکه در اثر موردبررسی، نظام قدرت و جایگاه نویسنده نسبت به آن، تأثیری برجسته در استفاده از نشانه‌های زبانی در سطوح مختلف واژگانی و نحوی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل انتقادی گفتمان، نورمن فرکلاف، خاطرات حاج سیاح، توصیف.

## مقدمه

رویکرد گفتمان کاوی انتقادی از اصطلاحات رایج در نقد ادبی است که نه تنها در حوزه زبان و ادبیات بلکه در بسیاری از حوزه‌ها از جمله دانش جامعه‌شناسی نیز کاربرد یافته و این امکان را به وجود آورده است که بتوان خوانشی تازه و نسبتاً جامع از مقولات اجتماعی، سیاسی و ادبی به دست داد. این رویکرد، ریشه در زبان‌شناسی دارد و اصطلاح آن را نخستین بار، زلیک هرپس در سال ۱۹۵۲ در مقاله خود با عنوان «تحلیل گفتمان» آورده و این تحلیل را نگاهی صرفاً ساختارگرایانه به جمله و متن برشمرده است. زبان‌شناسان پس از وی، تحلیل گفتمان را به دو بخش تحلیل ساختار زبان گفتاری و تحلیل متن تقسیم کرده‌اند (محسنی، ۱۳۹۱). در حال حاضر گونه‌های مختلفی از تحلیل گفتمان وجود دارد که یکی از شاخص‌ترین آن‌ها «گفتمان کاوی انتقادی»<sup>۱</sup> است که فوکو<sup>۲</sup> آن را بنیان‌گذاری کرد؛ فرکلاف<sup>۳</sup>، شکل زبان‌شناختی به آن داد و در نهایت نیز ون دایک<sup>۴</sup> و وداک<sup>۵</sup>، نظام دانشگاهی به آن دادند. هدف از رویکرد، آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است. گفتمان کاوی انتقادی که ریشه در تحلیل گفتمان دارد، رویکردی نسبتاً جامع است که بر اساس آن، می‌توان خوانشی چند سطحی از متون به دست آورد (آقاگل زاده، ۱۳۸۵).

از نظر گفتمان‌پژوهان با دیدگاه انتقادی، «گفتمان با قدرت و مناسبات آن ارتباط تنگاتنگی دارد. در گفتمان کاوی، قدرت، تنها در معنای اولیه زور و اجبار و نظامی‌گری به کار نمی‌رود، بلکه نظم حاکم بر جامعه، سلسله‌مراتب نهادینه شده در جامعه و فرایندهای سیستماتیک جامعه نیز از مصادیق قدرت هستند... گفتمان هم پدیدآورنده و پرورش دهنده قدرت است و هم شکل دهنده و البته تغییردهنده و حتی منسوخ‌کننده آن نیز هست. قدرت، اهرم مهم گفتمان در کنش‌زدایی‌هاست؛ زیرا قدرت، ماهیتاً به دنبال مطیع کردن و ایجاد نظم و سیستم موردنظر گفتمان در جامعه است.» (حسین پناهی، ۱۳۹۰)

اگرچه تحلیل انتقادی گفتمان در متون رسانه‌ای و مسائل سیاسی و اجتماعی کاربرد دارد و رابطه زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در آن‌ها بررسی می‌کند؛ اما با این

1- Critical Discourse Analysis (CDA)

2- Foucault

3- Fairclough

4- Van Dijk

5- Wodak

دیدگاه می‌توان تمامی محصولات گفتاری و نوشتاری زبان و از جمله کتاب‌های خاطرات و سفرنامه را بررسی کرد که در این پژوهش، *خاطرات حاج سیاح* انتخاب شده است. «میرزا محمدعلی محلاتی که به سبب سفر هجده‌ساله‌اش به گرد جهان و سفرهای فراوانش در سراسر ایران به حاج سیاح معروف شده است، در ۱۲۵۲ ه.ق در خانواده‌ای روستایی اما اهل علم و ادب در محلات به دنیا آمد. پدرش ملا محمد رضا محلاتی، او را برای تحصیل به تهران فرستاد و عمویش ملا محمدصادق که متمکن و اهل علم بود، وی را برای تکمیل تحصیلات، راهی عتبات کرد. چندسالی در نجف و کربلا به تحصیل علوم قدیمه مشغول و با اندیشمندانی که از نقاط مختلف برای تحصیل و تدریس آمده بودند، آشنا شد و بر اثر این آشنایی‌ها در اندیشه و نگرشش، تحولی روی داد که به نظر می‌رسد مراحل بعدی زندگی او در دامنه تأثیر همین تحول بوده باشد.» (سیاح، ۱۳۵۹)

حاج سیاح از نسل نوگرایان دگراندیش عصر قاجار و یکی از افراد مؤثر در ترویج مشروطه‌خواهی است. احتمال داده‌اند که او نخستین کسی باشد که اصطلاح «حقوق بشر» را در معنای امروزی آن در ایران به کار برده است. (آذرننگ، بی‌تا) *خاطرات حاج سیاح* یا دوره خوف و وحشت، مهم‌ترین اثر حاج سیاح و از برجسته‌ترین منابع آغاز مشروطیت در ایران است که با ورود حاج سیاح به بوشهر در روز ۳ مردادماه ۱۲۵۶ آغاز و با رویدادهای مرداد سال ۱۲۸۸ و ماجرای فتح تهران و فرار محمدعلیشاه خاتمه می‌یابد. این اثر، آمیزه‌ای از سفرنامه، خاطرات، گزارش اوضاع سیاسی و اجتماعی و توصیف‌های تاریخی است و محتویات آن را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد. بخش نخست که از آغاز تا سال ۱۲۷۵ هـ.ش و ماجرای پناهنده شدن حاج سیاح را دربرمی‌گیرد، بیشتر از گونه سفرنامه و خاطره‌نویسی است و بخش دوم، شامل حوادث تا سال ۱۲۸۸ هـ.ش است و بیشتر به صورت تاریخ‌نگاری نوشته شده است. با توجه به اهمیت سفرنامه حاج سیاح در میان سفرنامه‌های دوره قاجار و نیز با توجه به اینکه پژوهش‌چندانی بر روی آن انجام نشده، پرسش این است که آیا الگوی فرکلاف، مناسب برای تحلیل سفرنامه‌ها هست و از طریق آن می‌توان به تحلیلی سه بُعدی از این آثار دست یافت؟ هدف از این پژوهش نیز آن است که به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سطح توصیف (یکی از لایه‌های سه‌گانه تحلیل انتقادی گفتمان) در این اثر بپردازد و ابعاد زبانی آن را در تعامل با ایدئولوژی نویسنده و قدرت آشکار کند.

### ۱. پیشینه پژوهش

نظریه تحلیل انتقادی گفتمان از جمله نظریاتی است که می‌تواند در حوزه‌های مختلفی از علوم انسانی و از جمله ادبیات فارسی مورد استفاده قرار گیرد و خوانشی تازه از آثار ادبی به دست دهد. در حوزه ادبیات و دانش زبان‌شناسی، پژوهش‌های انجام‌شده بر روی این نظریه را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: ۱. مقالاتی که خود نظریه را بررسی کرده است که از جمله می‌توان به «زبان و جهانی‌شدن؛ نورمن فرکلاف» نوشته سعیدنیا (۱۳۸۸)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف» نوشته محسنی (۱۳۹۱)، «تحلیل انتقادی گفتمان و ادبیات» نوشته آقاگل‌زاده (۱۳۸۶) و «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف» نوشته جهانگیری و بندرریگی‌زاده (۱۳۹۲) اشاره کرد. ۲. خوانش متون کهن فارسی با الگوی فرکلاف، دسته دیگری از پژوهش‌ها با تعداد قابل ملاحظه است. از جمله: «تحلیل انتقادی گفتمان داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف» نوشته ناصری و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان»، نوشته حسین پناهی (۱۳۹۰)، «تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه» نوشته فقیه ملک‌مرزبان و فردوسی (۱۳۹۳) و «روند بازنمایی هویت خودی و درگیری در تاریخ بیهقی» نوشته بیات و یوسفی (۱۳۹۴) ۳. دسته سوم که در حوزه متون معاصر نوشته‌شده که برخی از نمونه‌های آن عبارت‌اند از: «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان ۱۳۸۴-۱۳۷۵» نوشته پرستش و ساسانی‌خواه (۱۳۸۹)، «روایت زنانه از جنگ؛ تحلیل انتقادی کتاب خاطرات دا»، نوشته جوادی یگانه و صفی (۱۳۹۲)، «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف» نوشته حدادی و دیگران (۱۳۹۱) و «تحلیل گفتمان سیاسی رمان تنگسیر صادق چوبک» نوشته احمدی و دیگران (۱۳۹۳).

آثار ادبی دوره قاجار به نسبت سایر متون، کمتر مورد توجه گفتمان‌کاوان با رویکرد انتقادی قرار گرفته است. یکی از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده، «زبان، ابزار قدرت در روزنامه‌های دربار دوره قاجار»، نوشته وفایی و غلامعلی (۱۳۹۷) است. مقاله دیگر، «بررسی کلان‌گفتمان مشروطیت در خاطرات حاج سیاح بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان» به قلم بهادر باقری و مژگان دیباج (۱۳۹۸) است. با وجود تنوع و تعدد پژوهش‌ها در این حوزه، تاکنون سفرنامه‌ها با رویکرد انتقادی فرکلاف چندان تحلیل نشده و چون معمولاً

یکی از کلان‌گفتمان‌های آن‌ها سیاست است، الگوی تحلیل فرکلاف می‌تواند لایه‌های پنهان معنا را در آن آشکار کند. شایان ذکر است که به دلیل محدودیت حجم مقالات، از میان سه بخش الگوی فرکلاف، تنها سطح توصیف انتخاب و بررسی شده است.

## ۲. روش‌شناسی

از نظر فرکلاف، «توصیف، پیش‌فرض تفسیر است. این تقابل درحالی‌که به لحاظ رویه می‌تواند مناسب باشد، نباید وزن و اهمیتی بیش از آن‌که درخور آن است، پیدا کند. رویه مزبور نباید وحی منزل تلقی شود؛ این رویه یک راهنماست و نه یک طرح. این مرحله در سطح مقدماتی، حول محور ده پرسش اصلی و برخی پرسش‌های فرعی سازمان‌دهی شد؛ یعنی شامل پرسش‌هایی است که می‌توان درباره یک متن مطرح ساخت. مجموعه ویژگی‌های متن در نظر گرفته شده تا حد زیادی جنبه‌گزینشی دارد و تنها شامل آن دسته از ویژگی‌هایی می‌شود که برای تحلیل انتقادی، از همه معنادارترند. به‌منظور تفسیر ویژگی‌هایی که به‌صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولاً مد نظر قرار دادن دیگر انتخاب‌های ممکن نیز ضروری است. در تحلیل متون، کانون توجه، دائماً بین آنچه در متن وجود دارد و نوع گفتمان یا انواع گفتمان‌هایی که متن از آن‌ها استفاده می‌کند، در نوسان است» (فرکلاف، ۱۳۸۹). در الگوی فرکلاف، مرحله توصیف، در سه سطح واژگان، دستور زبان و متن بررسی می‌شود و نماینده ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای، بیانی و پیوندی است که البته بیانی و پیوندی در سطح متن کاربرد ندارد.

در بررسی سطح توصیف، فرکلاف از سه گونه ارزش نام می‌برد که در دو سطح واژگان و دستور زبان قابل بررسی است. این سه ارزش عبارت‌اند از تجربه‌ای، رابطه‌ای و بیانی. به عقیده وی، ویژگی‌های صوری دارای ارزش تجربی، ردپا و سرنخی از روشی به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. ارزش تجربی با محتوا، دانش و اعتقادات سروکار دارد. ویژگی‌های صوری دارای ارزش رابطه‌ای، ردپا و سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی به دست می‌دهد که از طریق متن در گفتمان اجرا می‌شوند. ارزش رابطه‌ای به گونه‌ای شفاف، با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد. ویژگی‌های دارای ارزش بیانی، ردپا و سرنخی از ارزشیابی تولیدکننده از بخشی از واقعیت ارائه می‌دهد. ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد؛ گرچه تنها یک بُعد از مفاهیم اخیر به ارزش‌های ذهنی مربوط می‌شوند. باید تأکید کرد که

هریک از ویژگی‌های صوری ممکن است به‌طور هم‌زمان، واجد دو یا سه ارزش باشند. ارزش‌های پیوندی نیز پیونددهنده و منسجم‌کننده جملات است و در سه سطح واژگان، دستور زبان و متن اتفاق می‌افتد و در سطح واژگان از طریق تکرار کلمات و کاربرد کلمات مرتبط انجام می‌شود (همان).

در ادامه به بررسی ارزش‌های سه‌گانه مورد اشاره در خاطرات حاج سیاح پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که نمونه‌ها به‌صورت رندوم و از ده درصد کتاب استخراج شده است. روش تجزیه داده‌ها نیز بدین ترتیب است که متناسب با الگو، موارد مختلف در متن بررسی و پس از ذکر نمونه‌ها به تحلیل بسامد و شیوه کاربرد آن‌ها پرداخته می‌شود.

## ۲-۱. ارزش‌های تجربی

این نوع از ارزش‌ها در سطوح مختلف نمود می‌یابد.

### ۲-۱-۱. ارزش‌های تجربی واژگانی

ارزش‌های تجربی واژگانی، آن دسته از عوامل زبانی است که در سطح گزینش و چینش واژگان اتفاق می‌افتد و به ایجاد رابطه بین زبان و ایدئولوژی می‌انجامد.

### الف. روابط معنایی واژگانی

منظور از روابط معنایی، هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی واژگان با یکدیگر است. حاج سیاح در ایجاد کانون‌های ایدئولوژیک از هر سه نوع رابطه استفاده کرده‌است؛ برای مثال در بند «اولین کسی که طالب قانون و نظم و عدل و ترقی در ایران بود، مرحوم مبروک، میرزا تقی اتابیک (امیرکبیر) بود که در ولی‌عهدی ناصرالدین شاه یکی از همراهان او در سفرنامه روسیه بود» (سیاح، ۱۳۵۹)، وی از واژه‌های هم‌معنای مثبت برای توصیف امیرکبیر استفاده کرده‌است. در این بند، واژگان «قانون، نظم، عدل و ترقی» تقریباً هم‌معنا هستند و هم‌نشینی آن‌ها سبب برجستگی شده‌است. در بند زیر نیز بین واژگان «آزادی‌طلبان، مجلس و مشروطیت» شمول معنایی وجود دارد و از واژگان متضاد برای مقایسه مشروطه‌طلبان و مستبدان استفاده شده‌است:

«در این ایام به‌توسط بعضی از آزادی‌خواهان در عتبات، حقایق مشروطیت را به رؤسا گفته... و آخوند ملاکاظم خراسانی و ... به مردم فهمانده بودند که مساعدت مشروطیت

واجب است و مخالفت با آن معصیت و حرام است و چون غالباً در میان فقها، لجاجت هست و طلب ریاست به نفوس غالب فضل الله و مستبدین دیگر، روابطی پیدا کرد.» (همان)

### ب. استفاده از شاخص اجتماعی

شاخص اجتماعی، در واقع عنوان و لقبی است که متناسب با موقعیت اجتماعی افراد و شخصیت‌ها به آن‌ها داده می‌شود. (ر.ک صفوی، ۱۳۸۷) در *سفرنامه حاج سیاح*، نویسنده به خوبی از این امکان زبانی برای انتقال و القای مطلب به خواننده بهره برده است. برای روشن تر شدن مطلب، دو بخش از سفرنامه که در هر کدام به معرفی فردی پرداخته شده، آورده می‌شود. در بند نخست، نویسنده، فردی به نام «حاجی شیخ محمدباقر» را معرفی می‌کند که ریاست علمای اصفهان را دارد. وی با دادن القابی چون «شیخ» و «حضرت آقا» و کاربرد فعل در صیغه جمع، احترامی را که برای وی قائل است، به خواننده انتقال می‌دهد. این تکریم و احترام با کاربرد افعالی چون: فرمودند، سؤالات کرد، اظهار لطف و مهربانی کرد و... تقویت می‌شود:

«از آنجا رفتم به حضور حاجی شیخ محمدباقر که فعلاً ریاست علماء اصفهان را دارد. اظهار لطف و مهربانی کرد. از حالات سفر و اوضاع بلاد سؤالات کرد، جواب گفتم. در آخر حضرت آقا فرمودند: این قدر که تو سیاحت کرده‌ای، غریب تر از همه چیز چه دیده‌ای؟» (سیاح، ۱۳۵۹)

در نقطه مقابل این شخص محترم (در نظر نویسنده)، شخصیت دیگری قرار دارد که اتفاقاً از پایگاه اجتماعی بسیار والایی نیز برخوردار است؛ اما ظاهراً حاج سیاح، بغضی از وی در دل دارد و اعتقادی به جایگاه اجتماعی وی ندارد. بنابر همین رویکرد است که با نیاوردن القاب محترمانه و استفاده از افعال و ضمیرهای مفرد (جهت خوار داشتن مرجع ضمیر) و افعال با بار معنایی منفی، این ذهنیت را به خواننده منتقل می‌کند. شیوه معرفی این شخصیت نیز به گونه‌ای است که خواننده متوجه حس منفی نویسنده نسبت به او می‌شود:

«آقاخان معروف محلاتی که طایفه اسماعیلیه، امام حی حاضرش می‌دانند؛ بلکه مقام امامت که به او نسبت داده‌اند، در مقام معنی ربوبیت اثبات کرده و از بذل جان و مال نسبت به او مضایقه ندارند و معروفیت او محتاج بیان نیست، به ملاقات او رفتم. شرح وضع دنیوی او که واقعاً سلطنتی است، ذکر نمی‌کنم ... مرا چون دید، شناخت ... محض اینکه بفهمانم



من برای اظهار حاجت نیامده‌ام، گفتم: از شما بعضی عطایا گفته می‌شود، لیکن شما اهل جود و کرم نیستید.» (همان)

در مجموع استفاده نویسنده از شاخص، نماینده قدرت و شأن اجتماعی افراد و نوع روابط افراد و ایدئولوژی نویسنده است که با افعال و سایر واژگان متناسب با آن تقویت می‌شود.

## ۲-۱-۲. ارزش‌های تجربی دستوری

این دسته از ارزش‌ها که از طریق ویژگی‌های دستوری در متن ایجاد می‌شود، در سه حوزه فعل، اسم و ساختار کاربرد دارد.

### الف. افعال کنشی / رخدادی / توصیفی

یکی از دسته‌بندی‌های رایج افعال، تقسیم آن‌ها به سه گونه کنشی (فاعل + مفعول + فعل)، رخدادی (فاعل + فعل) و توصیفی (فاعل + متمم + فعل) است و هنگامی که فرد می‌کوشد تا عمل، رخداد، وضعیت یا رابطه‌ای را در یک متن بازنمایی کند، باید از میان انواع فرایندهای دستوری و مشارکین مختلف، دست به انتخاب بزند که این انتخاب ممکن است به لحاظ ایدئولوژیک معنادار باشد (فرکلاف، ۱۳۸۹). از میان سه گونه یادشده، ۶۶ درصد افعال کنشی، ۱۷ درصد افعال رخدادی و ۱۷ درصد افعال توصیفی در سفرنامه حاج سیاح به کار رفته‌است. افعال کنشی برخلاف افعال رخدادی و توصیفی، متن را پویا می‌کنند زیرا کنشگر دارند.

### ب. افعال مثبت / منفی

افعال کنشی، رخدادی و توصیفی، این ویژگی را دارند که می‌توانند به صورت مثبت یا منفی به کار روند. خواننده در مواجهه با این کتاب، بیش از آنکه افعال منفی را بخواند، با افعال مثبت مواجه می‌شود؛ به گونه‌ای که در مقابل حدود ۹۰ درصد فعل مثبت، تنها ۱۰ درصد افعال، ساخت منفی دارند. این امر به این دلیل است که افعال مثبت، حرکتی روبه‌جلو دارند و سفرنامه نیز روایتگر حوادثی است که به صورت روزشمار، در بستر زمان در حال حرکت و صیوروت و شدن هستند. در این نوع ادبی، افعال منفی که زیرساختی ایستا و بازدارنده و حتی روبه عقب دارند، نمی‌توانند بسامد وقوع چندان‌اند داشته باشند.

### ج. افعال معلوم / مجهول

در *خاطرات حاج سیاح*، حدود ۹۵ درصد از افعال به شکل معلوم و تنها ۵ درصد آن‌ها به صورت مجهول به کار رفته‌اند که این امر به دلیل اطلاع و تسلط کامل نویسنده بر اوضاعی است که روایتگر آن به‌شمار می‌رود. بسامد بالای افعال معلوم نسبت به افعال مجهول با توجه به نوع اثر، طبیعی است؛ زیرا سفرنامه، عبارت است از گزارش نویسنده از مواقع و دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات فردی وی که بدون شک اشراف کامل و جامع بر آن دارد و به صورت واضح و معلوم آن را روایت می‌کند؛ زیرا نیازی به پنهان‌کاری و مخفی‌سازی ندارد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که افعال مجهول، کارکردهای ویژه‌ای دارند که هیچ‌کدام از آن‌ها تناسبی با نوع ادبی موردبررسی ندارد، از جمله اینکه این افعال برای ایجاد ابهام و تعلیق ذهنی مخاطب به کار می‌روند. از دیگر ویژگی‌های افعال مجهول عبارت‌اند از: آرام کردن جدال‌ها و ایجاد آرامش و صلح، تبرئه از اشتباهات گذشته، پرت کردن حواس، کنترل و هدایت توجه دیگران، سلب قدرت از دیگران، ارتقای شخصیت و صلاحیت و از بین بردن مرزها و مالکیت‌ها (ناشناس، ۱۳۹۷) که هیچ‌یک از این اهداف نمی‌تواند زیرساخت یک گفتمان گزارشی و خبری چون سفرنامه واقع شود؛ از این روی این ساخت فعلی، بسامد کاربرد بسیار کمی در این اثر یافته‌است. جدول زیر نماینده بسامد تقریبی وقوع انواع فعل در این سفرنامه است:

جدول ۱. بسامد تقریبی وقوع انواع فعل در سفرنامه حاج سیاح

فعل	کنشی	رخدادی	توصیفی	مثبت	منفی	معلوم	مجهول
درصد کاربرد	۶۶ درصد	۱۷ درصد	۱۷ درصد	۹۰ درصد	۱۰ درصد	۹۵ درصد	۵ درصد

### د. جملات ساده / مرکب

در *خاطرات حاج سیاح*، بیشتر جملات ساده‌اند؛ جملاتی کوتاه با وجه وصفی (به‌جای فعل)، با حرف ربط یا بدون آن. از دیدگاه زبان‌شناسی، «ساخت نحوی جمله ساده، نسبت به ساخت نحوی جمله مرکب، سریع‌تر پردازش می‌شود و خواننده با سرعت بیشتری، مفهوم آن را درمی‌یابد.» (رقیب‌دوست و مهرابی، ۱۳۸۹) در این اثر، عطف متعدد جملات ساده، علاوه بر اینکه سرعت خوانش متن را بالا می‌برد، نشان‌دهنده انسجام و پیوستگی متن

و بلافاصله بودن حوادث روایت شده و کم کردن فاصله زمانی است که ویژگی اصلی نوع ادبی سفرنامه و خاطره‌نویسی به‌شمار می‌رود.

«چون عازم شدم که به‌طرف سیستان روانه شوم، مستشارالملک مطلع شده، پنجاه تومان پول و یک توپ آغری فرستاده و مکتوبی نوشته بود که نتوانستم رد کنم. میرزا سعیدخان هم یک حلقه انگشتر فیروزه و سبچه‌ای از سنگ جوین و قدری گرد ضریح و چند عدد از سکه‌های متبرک حضرت فرستاده بود. صاحب‌منزل هم مرا در این مدت، ممنون مهربانی کرده بود. با حاجی عبدالله و میرزا محمدعلی و سایر آشنایان وداع کرده، تنها به‌طرف طرق حرکت کردم. یک ساعت از شب گذشته وارد شده، در ایوانی در کاروانسرا منزل کردم. جز پارچه احرامی و جز خورجین ترک، بالین نداشتیم. اسبم را نزدیک خودم بستم. دیدم سیدی نزدیک شد» (سیاح، ۱۳۵۹).

در نمونه بالا حذف فعل به قرینه لفظی یا بدون آن، یکی از عوامل اصلی اتصال جملات و پیایی آمدن آنهاست که علت آن نیز ویژگی خاص زبانی نوع ادبی سفرنامه است.

### هـ فرایند اسم‌سازی

در این فرایند، جمله، تبدیل به یک عبارت اسمی می‌شود و با حذف زمان، وجوه، کنش‌گر و کنش‌پذیر، اسنادهای سببیت و مسئولیت نامعلوم گذاشته می‌شود تا ذهن خواننده به چالش کشیده شود؛ نیز می‌تواند به دلیل وضوح برجسته موارد محذوف باشد که در این صورت نویسنده نیازی به بازگویی آن ندیده و ترجیح داده است که فهرست‌وار مروری بر آن بکند و بگذرد. همچنین می‌تواند به دلیل رعایت جوانب احتیاط و پرهیز از دردهای به‌ویژه سیاسی و تعیین نکردن موضع از جانب نویسنده باشد. در هر صورت این فرایند، سرعت خوانش متن را بالا می‌برد و سرعت دریافت و پردازش آن توسط ذهن خواننده، بسیار بیش از خوانش جمله است. فرایند اسم‌سازی در بند زیر از این سفرنامه به‌طور چشمگیری کاربرد یافته‌است:

«این قرض‌ها و سفرهای مظفرالدین‌شاه و پامال شدن خزینه دولت و تسلط روس‌ها و ذلت مسلمانان و استخدام آرامنه و تسلط ایشان و رسیدن خبرها از داغستان که مسلمانان را به آتش افکنده‌اند و زنده پوست کنده‌اند و این مطیع خالص شدن دولتیان ایران به روس‌ها و تشکیل قزاق به‌شکل قزاق روس در ایران و صاحب‌منصبی روسی و خرابی اوضاع مالیه و

اعترافات علماء عتبات بر این اوضاع جان‌گداز و بی‌خبری و گرفتاری مظفرالدین‌شاه به مرض و شدت ظلم و حرص درباریان و التفات جمعی خارجه‌دیده و وطن‌خواه به این حال اسف‌اشتمال، مقدمه یک بحران خطرناکی را فراهم کرده...» (همان).

### ۲-۱-۳. ارزش‌های تجربی در سطح متن

به عقیده فرکلاف، یک متن ممکن است ساخت داشته باشد؛ یعنی ممکن است از عناصر قابل پیش‌بینی به ترتیبی قابل پیش‌بینی تشکیل شده باشد. وی معتقد است که انتظارات مشارکین درباره ساخت تعامل‌های اجتماعی‌ای که در آن‌ها شرکت دارند و یا متن‌هایی که می‌خوانند، عامل مهمی در تفسیر است. وی اهمیت ساخت‌ها را در این می‌داند که می‌توانند سطوح عالی‌تری از عادات را بر کردار اجتماعی تحمیل کنند؛ به‌گونه‌ای که برنامه کار را به لحاظ ایدئولوژیک تعیین می‌کنند و پایان می‌دهند. (فرکلاف، ۱۳۸۹)

در *خاطرات حاج سیاح*، دو گونه کلی ریخت یا ساختار کلان می‌توان یافت: ۱. ماجرای حادثه‌ای؛ ۲. توصیفی. فرایندی که در نوع اول اتفاق می‌افتد بدین ترتیب است: ۱. ماجرای اتفاق می‌افتد؛ ۲. اقدام مقابله‌ای انجام می‌شود؛ ۳. پیامدها و نتایج به‌دست‌آمده تشریح می‌شود؛ ۴. در برخی موارد نویسنده تحلیلی اجتماعی یا سیاسی به خواننده ارائه می‌کند. نوع دوم (توصیفی) خود به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. توصیف دیدار با شخصیتی که در حین توصیف، دیالوگ‌ها نیز نقل و گاه نیز نویسنده، دست به تحلیلی اجتماعی، سیاسی یا روان‌شناختی می‌زند؛ ۲. توصیف دیدار از مکان که گاه همراه با تحلیل اجتماعی یا سیاسی است. در ادامه با ذکر نمونه‌هایی به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد:

#### الف. حادثه‌ای (همراه با تحلیل یا بدون آن)

«بالجمله آقاخان می‌گفت: من دولت آباد را وقف کرده‌ام، شاه، مال وقف را غصب کرده، تقدیم‌ها فرستادم، برای شاه، فیل و کرگدن، برای دیگران، اسب و کالسکه و تفنگ و غیرها فرستادم، به قدر قیمت آن ملک بیشتر داده، محض اینکه وقف را خلاص کنم، به جایی نرسید» (همان). ریخت و ساختار کلان این ماجرا چنین است:

۱. رخداد: وقف دولت آباد توسط آقاخان و غصب آن به وسیله شاه؛

۲. اقدام مقابله‌ای: فرستادن تقدیم برای شاه و اطرافیان؛

۳. نتیجه: بی‌فایده بودن اقدام مقابله‌ای آقاخان.

«بعد از رفتن به حمام و استراحت خواستم به حضور ولیعهد بروم. یک نفر دوست محرمانه به من گفت: تلگراف شما از خوی به ولیعهد رسید. در آن مجلس، رضاقلی خان پسر ابراهیم خان حضور داشت و گفت: "بلی! این هم یکی از پلٹیک‌های ظل السلطان است و این آدم از مخصوصان اوست". به محض بیان این مطلب، بدون فکر و تأمل، ولیعهد تصدیق کرده، از شما بدگمان شد... گفتم: "نعوذبالله! بعد از امتحان به این یک کلمه و این خیالات! بدبخت ایران که اختیارش به کف چنین بچه‌ای خواهد افتاد. این ساده‌لوح و این رنود که او را احاطه کرده‌اند به ایران از ایشان چه خواهد رسید؟ افسوس!" ... صدیق‌الدوله و میرزا عبدالله خان اطلاع داده بودند، وقت غروب به منزلم بیایند. عذر خواسته و گفته بودند: "در میان متمدین رسم است مسافر به دیدن می‌رود، اگر میل دارید، ساعتی اینجا بیایید." من محض اینکه به او بفهمانم که به حضرت ولیعهد اشتباه شده، به منزل او رفتم... اطرافیان ولیعهد به پیغام و اظهار خجلت اکتفا کردند» (همان).

ماجرا: بدگمان شدن ولیعهد به حاج سیاح بر اثر سعایت رضاقلی خان؛ اقدام مقابله‌ای: رفتن حاج سیاح به منزل صدیق‌الدوله و تبیین ماجرا؛ نتیجه: شرمندگی اطرافیان ولیعهد.

در مجموع، به دلیل اینکه این اثر، سفرنامه است، ریخت توصیفی در آن بیش از حادثه‌ای کاربرد یافته و بسامد تقریبی آن ۳۷ درصد در مقایسه با کاربرد ۶۳ درصدی ساختار توصیفی است.

#### ب. توصیفی

این شیوه به دو شکل به کار رفته است:

۱. دیدار با اشخاص با یا بدون نقل گفتگو (همراه با تحلیل یا بدون آن). ۲. دیدار از مکان (همراه با تحلیل یا بدون آن).

#### ۲-۲. ارزش‌های رابطه‌ای

ارزش‌های رابطه‌ای نیز همچون ارزش‌های تجربی در دو سطح واژگان و دستور زبان قابل بررسی است.

## ۲-۲-۱. ارزش‌های رابطه‌ای واژگانی

ارزش‌های رابطه‌ای، چنان‌که از نام آن برمی‌آید با روابط اجتماعی و رابطه‌ها در پیوند است. در یک گفتمان، نوع گزینش واژگان، بستگی به نوع روابط اجتماعی میان مشارکین دارد و به ایجاد آن کمک می‌کند (فرکلاف، ۱۳۸۹). کاربرد واژگان رسمی در واقع زمانی کاربرد دارد که مخاطب، دارای شأن و جایگاهی ویژه و برجسته باشد و سخن گفتن با او یا درباره او، احترام و ارادتی خاص را طلب کند. در *خاطرات حاج سیاح*، کنشگران متعددی وجود دارند که برخی از آن‌ها از شأن و جایگاه اجتماعی والایی برخوردارند و این مسئله، کاربرد واژگان رسمی را در این اثر برجسته ساخته است. برای مثال در بند: «چون به واسطه اشتیاق به ملاقات مادرم نمی‌توانستم بیشتر از این توقف کنم، فردا را خواستم به ملاقات حاجی سیدمحمدباقر بروم که از طرف مادر با ایشان قرابت نزدیک دارم. پس صبح زود به محله بیدآباد رفته، ایشان را ملاقات کردم، دیدم زیاد شکسته و پیر شده، بنده را دید، زیاد مسرور گردید و سؤالات از اقرباء و بنی‌اعمام کردم. فرمود: بسیاری وفات کرده‌اند... در آخر حضرت آقا فرمودند: این قدر که تو سیاحت کرده‌ای...» (حاج سیاح، ۱۳۵۹)، «فرمود»، «حضرت آقا» و «فرمودند»، واژگان رسمی‌ای است که نویسنده در چندجای دیگر و برای چند شخص محترم دیگر نیز به کار برده است: «ما را دعوت به منزل او کرده، گفت: با وجود حضرت آقا، منزل کردن شما در غیر خانه او که منزل بزرگان و زوآر و عابرین است، نامناسب است. ما هم به منزل حضرت آقا رفتیم. این آقای محترم، صاحب املاک و ثروت زیاد است» (همان).

## ۲-۲-۲. ارزش‌های رابطه‌ای دستوری

عواملی که در این بخش، ارزش‌آفرین هستند، وجه‌های جمله، وجهیت و ضمائر هستند که در ادامه جداگانه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### الف. وجوه جمله

منظور، بررسی جمله به لحاظ خبری، پرسشی، امری بودن است. از میان انواع خبری، پرسشی و امری، اکثر جملات این سفرنامه، حالت خبری دارند زیرا ژانر اثر او گزارشی است.

### ب. ضمائر

کاربرد ضمیر و نحوه استفاده از آن، یکی دیگر از ویژگی‌های زبانی است که ارزش‌های تجربی دستوری را می‌نمایاند و شیوه انتخاب آن‌ها بستگی به روابط قدرت دارد. نویسنده این کتاب، استفاده درستی از ضمیرهای مفرد و جمع کرده است. استفاده از ضمیرهای جمع برای مفرد، به منظور ادای احترام و تکریم، یکی از ویژگی‌های زبانی وی است که این امر نماینده اهمیت افراد و مورد احترام بودن ایشان از جانب نویسنده است و رابطه آن‌ها را می‌نمایاند. او در مواجهه با صاحبان قدرت اعم از شاه، وزیران، صاحب‌منصبان و مسئولان مملکتی، معمولاً ضمیر مفرد (او) به کار می‌برد. این امر به این دلیل است که نویسنده، بسیار تیزقلم و تیزکلام بوده و بارها و بارها به او تذکر داده‌اند که جانب ارباب قدرت را نگه دارد و سخن به احتیاط گوید؛ اما ظاهراً وی اهمیتی به این امر نمی‌داده و از این بابت نیز در دسر بسیار کشیده و حتی بازداشت هم شده است.

### ج. وجهیت

وجهیت، مفهومی مهم برای ارزش‌های رابطه‌ای و بیانی در سطح دستور زبان است. به عقیده فرکلاف، وجهیت با اقتدار گوینده یا نویسنده سروکار دارد و بسته به اینکه برای اقتدار به کدام سو است، از دو بُعد برخوردار است: در صورتی که مسئله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، از وجهیت رابطه‌ای سخن می‌گوییم و اگر مسئله اقتدار گوینده یا نویسنده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد با وجهیت بیانی سروکار داریم، یعنی وجهیت ارزیابی گوینده/ نویسنده از صدق یک موضوع. وجهیت در هر دو صورت بیانی و رابطه‌ای به وسیله افعال کمکی وجهی مانند: بایستن، شایستن، ممکن بودن، توانستن، احتمال داشتن و نیز ویژگی‌های صوری دیگری از جمله قید زمان و مکان بیان می‌شود. در وجهیت رابطه‌ای، ادعاهای اقتدار ضمنی و شبکه‌های قدرت ضمنی، آن را به موضوعی تبدیل می‌کند که در آن علایق ایدئولوژیک مطرح است. (فرکلاف، ۱۳۸۹)

در این اثر، وجهیت رابطه‌ای کاربردی نسبی دارد و معمولاً از جایگاه قدرت یا ادب و احترام طرح می‌شود. برای مثال در بند: «از اطراف به من حمله کردند که با آقا باید به طریق ادب سخن گفت» (حاج سیاح، ۱۳۵۹)، وجهیت، بیانگر الزامی است که دیگران از

سر احترام به فرد مورد نظر برای نویسنده که از کنشگران ماجراست، تعیین می کنند. در بند: «گفت: چرا به شاه حقیقت را گفته‌اید؟ گفتم: من ندانستم که اینجا در جواب هر سؤال باید دروغ گفت»، وجهیت به کاررفته از یک سوی نماینده قدرت شاه و از سوی دیگر نماینده فساد رایج است که آن نیز به دلیل ناامنی‌ای است که نظام قدرت به وجود آورده و امکان راست گویی را از دیگران گرفته‌است.

### ۲-۲-۳. ارزش‌های رابطه‌ای در سطح متن

این بخش، شامل قراردادهای تعاملی است که گفتگو را شامل می‌شود و در آن چند مقوله مطرح در حوزه گفتگو قابل بررسی است. در واقع در این بخش، «بر قراردادهای طبیعی شده و پیوندهای ضمنی آن‌ها با روابط قدرت تأکید می‌شود... از این رو با ارزش‌های رابطه‌ای جنبه‌های سازمانی گفتگو سروکار داریم.» (فرکلاف، ۱۳۸۹) گفتگو یکی از کلیدهای اصلی شناخت شخصیت‌هاست و از طریق آن می‌توان بر نوع تفکر و جهان‌بینی و موقعیت اجتماعی و فرهنگی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرد بر دیگران و حوادث اطرافش پی برد. (میری و دیگران، ۱۳۹۷) فرکلاف، اداره کردن گفتگو را وابسته به نظام قدرت می‌داند و با این نظر که حق نوبت‌گیری بین افراد غیر هم‌تراز، نابرابر است، این پرسش را بیان می‌کند که آیا روش‌هایی وجود دارند که با آن‌ها مشارک، نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند. (فرکلاف، ۱۳۸۹)

### الف. نظام نوبت‌گیری

در *خاطرات حاج سیاح*، نویسنده، اجازه حضور تعداد زیادی مشارک و گفتگو را به آن‌ها داده‌است و از آنجا که او با افرادی در ارتباط و تعامل است که اکثر آن‌ها در جایگاه قدرت سیاسی و اجتماعی و دینی قرار دارند، قراردادهای تعاملی گفتگو را در اثر او به‌خوبی می‌توان شاهد بود:

«با حالت اسیری و انکسار سلام داده، ایستادم. مشیر خلوت و عبدالله خان والی و معین نظام حاضر بودند. بعد از چند دقیقه، کامران میرزا سر برداشته، گفت: چه آتش روشن کرده‌ای؟ بند از بندت جدا می‌کنم. پدرت را می‌سوزانم. گفتم: آقا من چه کرده‌ام؟ حضرت والا! بدان که همه کس مثل جان، آبروی خود را دوست می‌دارد. من شنیده بودم شما تربیت شده هستید و حرف رکیک نمی‌گویید. فحش لایق اراذل است. گفت: آخر شما



کاری کرده‌اید که انسان را از حالت طبیعی خارج می‌کند. گفتم: چه کرده‌ام؟ حاکم محلی نبودم، باقی دار نیستم، مرافعه نمی‌کنم، دخالت به کار کسی ندارم. صندوقچه‌ای خواست و از آن کاغذ زیاد بیرون ریخته، گفت: این‌ها چیست؟ گفتم: کاغذ در نزد شماست، من از کجا بدانم چیست؟ پس چند طغری کاغذ جدا کرده، گفت: بخوان! عینک خواستم، دادند. با زحمت قدری خواندم. دیدم مکتوب‌هایی است که در آن‌ها از شاه تعیین تکلیف و قانون خواسته‌شده و با کمال ادب نوشته‌شده حق و باطل و خائن و خادم تمیزی داشته باشد. گفتم: اگر چه درست نمی‌توانم بخوانم؛ ولی چیز خوبی نوشته‌شده. گفت: که نوشته است؟ گفتم: نمی‌دانم. گفت: باید بدانی! گفتم: عجب! حاکم شهر شماست. پلیس آشکار و مخفی شما دارید. من باید بدانم کاغذ را که نوشته؟! پس روی به نایب محمود کرده، گفت: امشب باید این مطالب را تحقیق کرده، پوست کنده برای من بیاوری. نایب اشاره کرد، برخاستیم برویم.» (حاج سیاح، ۱۳۵۹)

در گفتگوی بالا کامران میرزا در جایگاه قدرت نسبت به حاج سیاح و دیگران قرار دارد و از این روی آن‌ها زمانی مجال سخن گفتن دارند که وی این اجازه را به آن‌ها بدهد. بنابراین دیالوگ، نویسنده با وجود پایگاه اجتماعی قابل توجهی که دارد، در مکالمه با افرادی که نسبت به او در جایگاه قدرت هستند، جانب احتیاط را رعایت کرده و از تندی زبان خود می‌کاهد؛ البته همچنان می‌توان این تندی و جسارت را از فحوای کلام او دریافت و نوع پاسخ‌گویی‌های غیر صریحش از جمله در بند: "عجب! حاکم شهر شماست. پلیس آشکار و مخفی شما دارید. من باید بدانم کاغذ را که نوشته؟!"، نشانی از همین جسارت و صراحت است.

#### ب. کنترل سخن دیگران

بدون شک در گفتگوها کسی که در جایگاه قدرت است و نظام نوبت‌دهی را در اختیار دارد، سخن دیگران را نیز به روش‌های مختلفی چون: قطع سخن، اجبار بر صریح‌گویی و ارائه توضیحات لازم و کنترل موضوع صحبت در اختیار دارد. در *خاطرات حاج سیاح*، مقوله کنترل صحبت را در نمونه مربوط به نظام نوبت‌دهی به خوبی می‌توان دید که در آن، موضوع، توسط نظام قدرت تعیین می‌شود و کامران میرزا که نسبت به حاج سیاح و دیگران در جایگاه قدرت قرار دارد، آن را کنترل و جهت‌دهی می‌کند. علاوه بر کنترل موضوع،

قطع یا ادامه آن نیز در اختیار وی است و او تعیین می‌کند که بحث و گفتگو ادامه یابد یا لزومی به ادامه آن نیست.

## ۲-۳. ارزش‌های بیانی

این بخش در دو سطح واژگان و دستور زبان کاربرد دارد.

### ۲-۳-۱. ارزش‌های بیانی واژگانی

بنابر نظر فرکلاف، ارزش بیانی کلمات، همواره مورد توجه افرادی است که به زبان اقناعی علاقه‌مند هستند. در این بخش، بحث بر سر این است که از کدام استعاره‌ها در متن استفاده شده است. به عقیده وی استعاره، وسیله‌ای است برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر حسب جنبه‌ای دیگر و به هیچ وجه منحصر به شعر و گفتمان ادبی نیست و کلیه جنبه‌های تجربه را می‌توان بر حسب هر تعداد استعاره بازنمایی کرد و رابطه بین استعاره‌های بدیل است که مورد توجه خاص است؛ زیرا استعاره‌های مختلف، دارای وابستگی‌های ایدئولوژیک هستند (همان). استعاره مورد نظر فرکلاف، همان استعاره مفهومی است که لیکاف و جانسون آن را مطرح کرده‌اند. بنابر تحقیقات ایشان، کاربردهای استعاره، محدود به حوزه مطالعات ادبی و کاربرد واژه، عبارت یا جمله نیست؛ استعاره، همچون ابزاری مفید، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و در حقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره رفتاری طبق آن برنامه‌ریزی می‌شود. از این دیدگاه، استعاره بر حسب ضرورت و نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده‌های ناآشنا، با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد و نقشی بسزا در جولان فکری و تخیل ایفا می‌کند. (هاشمی، به نقل از لیکاف و جانسون، ۱۳۸۹) استعاره مفهومی برای محسوس کردن امور معقول و انتزاعی و بیان تجربیات مبهم (رخدادها، مفاهیم غیر مادی) در قالب ملموس اشیا، مواد یا ظروف به کار می‌رود. بندهای زیر، برخی از نمونه‌های استعاره مفهومی در این کتاب است:

«محرّم سال (۱۳۲۵ قمری - اسفند ۱۲۸۵ شمسی) شروع شده درحالی که تنور انقلاب و هیجان عمومی در ایران شعله‌ور است.» (حاج سیاح، ۱۳۵۹)

در بند بالا انقلاب مشروطه به دلیل شور و حرارت و هیجانات و حوادث فراوان آن، توری سوزان و شعله‌ور دانسته شده که مستبدان و مخالفان آزادی و حتی برخی از موافقان

را به کام خود فرو می‌برد و به قول معروف، خشک و تر را با هم می‌سوزاند. در بند زیر نیز اضافه تشبیهی «بنای آزادی» به کار رفته است:

«بیشتر از صد انجمن در طهران دایر گردید با نواهای مختلف و محققاً در بسیاری از آن‌ها از طرف محمدعلی شاه و مستبدین، افساد و دسیسه برای تخریب بنای آزادی و هرج و مرج در کار بود.» (همان)

عبارت بالا براساس استعاره مفهومی «آزادی، یک ساختمان و عمارت است»، نوشته شده، این عمارت و بنا توسط مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان ساخته شده است و مستبدان و مخالفان مشروطه، قصد تخریب آن را دارند. در عبارت زیر نیز از اضافه تشبیهی «ماده فساد» آورده شده است:

«مجلسیان جداً تبعید او [سعدالدوله] را خواستند و او به سفارت هولاند پناهنده شده؛ ماده فساد را شعله می‌زد.» (همان)

## ۲-۳-۲. ارزش‌های بیانی دستوری

به عقیده فرکلاف، میان آن دسته از فعل‌های کمکی وجهی که نشانه وجهیت رابطه‌ای هستند و آن دسته از فعل‌هایی که نشانه وجهیت بیانی هستند، نوعی همپوشی وجود دارد (فرکلاف، ۱۳۸۹)، با این تفاوت که در وجهیت رابطه‌ای، اقتدار یکی از مشارکین نمایانده می‌شود؛ در حالی که وجهیت بیانی، اقتدار گوینده/ نویسنده را می‌رساند. در *خاطرات حاج سیاح*، کاربرد وجهیت بیانی، کمتر از وجهیت رابطه‌ای است و این بدان مفهوم است که نویسنده کوشیده است تا حد ممکن از اظهارنظر و اعمال قدرت پرهیزد و راوی بی‌طرف حوادث باشد. برخی از نمونه‌های کاربرد وجهیت بیانی در این اثر عبارت‌اند از: «چون به واسطه اشتیاق به ملاقات مادرم نمی‌توانستم بیشتر از این توقف کنم، فردا را خواستم به ملاقات حاجی سید محمدباقر بروم.» (حاج سیاح، ۱۳۵۹) در بند «واقعاً هم کسی که بخواهد در ایران در حکومت باشد، باید تملق و ملاحظه از این مردم نماید»، الزامی وجود دارد که نویسنده آن را از اوضاع اجتماعی و سیاسی دریافته و به‌عنوان یک حکم قطعی مطرح کرده است.

## ۲-۴. ارزش‌های پیوندی

ارزش‌های پیوندی، پیونددهنده و منسجم‌کننده جملات است و در دو سطح واژگان و دستور زبان اتفاق می‌افتد. در سطح واژگان، کاربرد کلمات مرتبط مورد نظر است که آن را می‌توان معادل صنعت «مراعات‌النظیر» دانست که بر پایه روش تناسب ایجاد می‌شود. در این روش بین کلمات، هارمونی یا تناسب معنایی ایجاد می‌کنند. یکی از شیوه‌های ایجاد تناسب، به کار بردن برخی از واژگان است که اجزایی از یک کل باشند و از این جهت بین آن‌ها ارتباط و تناسب باشد. (شمیسا، ۱۳۸۳) این روش نیز همچون تکرار می‌تواند کارکردی ایدئولوژیک داشته باشد و از طریق آوردن واژگانی که در تناسب با یکدیگر هستند، نویسنده یا شاعر، تجربه خود از جهان طبیعت یا اجتماع را به خواننده منتقل کند.

در اثر حاج سیاح، بسامد کاربرد ارزش‌های پیوندی چندان قابل توجه نیست و تنها در بخش‌هایی که نویسنده، تحلیلی اجتماعی یا سیاسی از اوضاع به دست داده، گاه از کلمات متناسب برای برجسته‌سازی و اطاله کلام بهره برده و اهمیت موضوع را برای خواننده تبیین کرده و کانونی ایدئولوژیک به وجود آورده است. برای مثال در بند: «نمی‌دانم حسین‌قلی خان که از هفتصدسال پیش، خود و پدرانش را سرپرست یا مالک رقاب این مردم پریشان می‌داند، باز ایشان را بیگانه می‌شمارد یا نفع خود را نمی‌خواهد؟ چه منظور از ضعف و بدحالی این بیچارگان دارد؟ به گمان من این اعتقاد مهلکی است در هر مستبد خودپرست که می‌خواهد هر کس را دستش می‌رسد چنان ضعیف کند که بر خاطرش تمرد خطوط نکند یا بالفطره، از شدت تذلل و حقارت زیردستان خوشحال می‌شوند» (حاج سیاح، ۱۳۵۹)، نویسنده از واژگانی که مربوط به یک مجموعه و متناسب با هم هستند، برای تشریح و تبیین دیدگاه ایدئولوژیک خود بهره برده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

خاطرات حاج سیاح، یک متن انتقادی - اجتماعی - سیاسی است که ایدئولوژی و سلطه نظام قدرت در آن به‌خوبی روایت شده است. نویسنده در این اثر، در توصیف و روایت دیده‌ها و شنیده‌ها و حوادث و رویدادها هر جا که لازم دانسته از امکانات مختلف زبانی در سطوح مختلف واژه، دستور زبان و متن استفاده کرده و دست به ایجاد کانون‌های ایدئولوژیک زده است. او با استفاده مناسب از انواع چهارگانه ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای،

بیانی و پیوندی، دیدگاه خود و دیگر کنشگران مخالف یا موافق را تشریح و تبیین کرده‌است.

بررسی نشانه‌های زبانی در *خاطرات حاج سیاح* نشان می‌دهد که در حوزه ارزش‌های تجربی واژگانی، شاخص‌های اجتماعی، کاربردی برجسته دارد زیرا نویسنده، فردی با پایگاه اجتماعی بالا است و با افرادی ارتباط دارد که جزء طبقات بالای جامعه هستند و حاج سیاح، رعایت شأن آن‌ها بر خود ملزم می‌داند. ارزش‌های تجربی در سطح دستور زبان، بیش از همه تحت تأثیر ژانر اثر است و کاربرد فراوان افعال کنشی، مثبت، معلوم و وجه خبری (رابطه‌ای دستوری) متناسب با گزارشی بودن نوع ادبی *خاطره‌نویسی* است. در حوزه متن نیز ارزش‌های تجربی در قالب دو ساخت حادثه‌ای و توصیفی نمود یافته که البته در این بخش نیز متأثر از ژانر اثر، ساخت توصیفی، کاربرد بیشتری دارد. در مجموع، زبان نویسنده، زبانی رسمی است و همین مسئله، کاربرد ضمیر جمع به نشانه احترام را در اثرش برجسته ساخته است. تعداد زیاد کنشگران در *خاطرات حاج سیاح*، بسامد کاربرد وجهیت رابطه‌ای را در این اثر قابل توجه ساخته؛ در حالی که کاربرد اندک وجهیت بیانی، نشانگر آن است که نویسنده تا حد ممکن از اظهارنظر پرهیز کرده است. در این اثر، استعاره مفهومی نیز کاربرد چندانی ندارد و حاج سیاح به ساده‌ترین شیوه و بدون استفاده قابل توجه از صناعات ادبی، خاطراتش را نوشته است. در بخش ارزش‌های رابطه‌ای در سطح متن نیز نظام قدرت، کنترل صحبت دیگران و نظام نوبت‌گیری و... را بر عهده دارد.


بنابر نتایج به‌دست‌آمده، برخی از نشانه‌های زبانی، تحت تأثیر نظام قدرت کاربرد یافته و برخی از آن‌ها به‌ویژه در حوزه ارزش‌های تجربی دستوری، متأثر از ژانر اثر است. نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد این است که آثار که در ژانر *خاطره* و *سفرنامه‌نویسی* تألیف شده‌اند، قابلیت بررسی با الگوی *فرکلاف* را دارند زیرا این دسته از آثار، روایتگر کلان‌گفتمان‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... هستند و ردپای نظام قدرت و ایدئولوژی آن را به خوبی می‌توان در آن‌ها دید.

### تعارض منافع


تعارض منافع ندارم.

## ORCID


Mozhgan Dibaj

 <https://orcid.org/0000-0002-4482-789X>


Bahador Bagheri

 <https://orcid.org/0000-0001-9222-6418>

Mohammad Parsanasab

 <http://orcid.org/0000-0002-3161-8706>

Mahdi Norian

 <http://orcid.org/0000-0001-6150-2379>

## منابع

- آذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۸۲). حاج سیاح؛ نویسنده سفرنامه و خاطرات و از دگراندیشان و مشروطه خواهان عصر قاجار. بخارا، (۳۱)، ۴۸-۶۲.
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. ادب پژوهی، (۱)، ۱۷-۲۷.
- احمدی، اصغر، آقاگل زاده، فردوس، خلیلی، محمدعلی، قبادی، حسینعلی و جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان سیاسی رمان تنگسیر صادق چوبک. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۰(۳۶)، ۹۵-۱۳۰.
- افشین وفایی، محمد و غلامعلی، علی. (۱۳۹۷). زبان، ابزار قدرت در روزنامه های دربار دوره قاجار. ادب فارسی، ۸(۲)، ۷۸-۵۹.
- باقری، بهادر و دیباج، مژگان. (۱۳۹۸). بررسی کلان گفتمان مشروطیت در خاطرات حاج سیاح بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان. جستارهای نوین ادبی، ۵۱(۲۰۳)، ۱-۲۲.
- بیات، حسینعلی و یوسفی، جمیله. (۱۳۹۴). روند بازنمایی هویت خودی و دیگری در تاریخ بیهقی. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۷(۲۶)، ۳۱-۶۱.
- حسین پناهی، فردین. (۱۳۹۰). بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان. جستارهای ادبی، ۲(۴۴)، ۹۹-۱۲۲.
- پرستش، شهرام و ساسانی خواه، فائزه. (۱۳۸۹). بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴. زن در فرهنگ و هنر، ۱(۴)، ۷۴-۵۵.
- جوادی یگانه، محمدرضا و صحفی، سید محمدعلی. (۱۳۹۲). روایت زنانه از جنگ؛ تحلیل انتقادی کتاب خاطرات دا. نقد ادبی، ۶(۲۱)، ۸۵-۱۱۰.
- جهانگیری، جهانگیر و بندرریگی زاده، علی. (۱۳۹۲). زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان. پژوهش سیاست نظری، (۱۴)، ۵۷-۸۲.
- حدادی، الهام، داوودی مقدم، فریده و گرجی، مصطفی. (۱۳۹۱). کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف. نقد ادبی، ۵(۱۸)، ۲۵-۵۰.

- رقیب‌دوست، شهلا و معصومه مهرابی. (۱۳۸۹). پردازش جمله و بازنمود ذهنی فعل در زبان فارسی. *دوفصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)*، (۲)۱، ۱-۲۴.
- سعیدنیا، گلرخ. (۱۳۸۸). زبان و جهانی‌شدن؛ نورمن فرکلاف. *زبان و زبان‌شناسی*، (۱۰)۵، ۱۸۱-۱۸۶.
- حاج سیاح، میرزا محمدعلی محلاتی. (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. به کوشش حمید سیاح. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: فردوس.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چ ۳. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. گروه مترجمان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فقیه ملک‌مرزبان، نسرین و فردوسی، مرجان. (۱۳۹۳). *تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه*. *کهن‌نامه ادب پارسی*، (۳)۵، ۸۸-۱۲۱.
- محسنی، محمدجواد. (۱۳۹۱). *جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف*. *نشریه معرفت*، (۳)۳، ۶۳-۸۶.
- میری، افسانه، مهدی، محمدجواد، شریفی، شهلا و محمودی‌بختیاری، بهروز. (۱۳۷۹). *مقایسه قدرت دو شخصیت محوری رمان آتش بدون دود (با استفاده از «نظریه نابرابری قدرت در دیالوگ» فرکلاف و مدل مایکل شورت)*. *جستارهای ادبی*، (۵)۹، ۱۴۳-۱۶۶.
- ناشناس. (۹۷/۱/۲۷) «استفاده صحیح و به جا از افعال معلوم و مجهول، چگونه ارتباط شما را متحول خواهد کرد؟». برگرفته از سایت اینترنتی: [www.unlimitedpower.ir](http://www.unlimitedpower.ir).
- ناصری، زهره سادات، فاروقی‌هندوالان، جلیل‌الله، ناصر، امین و محمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف*. *علم زبان*، (۴)۳، ۸۵-۱۱۰.
- هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). *نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون*. *ادب پژوهی*، (۱۲)۴، ۱۱۹-۱۴۰.

## References

- Azarang, A. H. (2003). *Haj Sayyah; Author of Travelogues and Memoirs and of Dissidents and Constitutionlists of the Qajar era*, Bukhara, (31), 48-62. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

- \_\_\_\_\_ . (2007). *Analysis of Critical Discourse and Literature*. Literary Research, 1(1), 17-27. [In Persian]
- Ahmadi, A., Aghagolzadeh, F., Khalili, M. A., Ghobadi, H. A., and Javadi Yeganeh, M. R. (2014). *Analysis of the political discourse of Tangsir of Sadegh Chubak*. Cultural Studies and Communication, 10(36), 95-130. [In Persian]
- Afshin Vafaei, M., Gholam Ali, A. (2018). *Language, the tool of power in the newspapers of the Qajar period*. Persian Literature, 8(2), 59-78. [In Persian]
- Bagheri, B., Dibaj, M. (2019). A Study of the Macro-Discourse of Constitutionalism in Haj Sayyah's Memoirs Based on the Theory of Critical Discourse Analysis. *New Literary Researches*, 51(203), 1-22. [In Persian]
- Bayat, H. A., Yousefi, J. (2015). The process of representation of self and other identity in the History of Beyhaqi. *Cultural History Studies*, 7(26), 31-61. [In Persian]
- Hossein Panahi, F. (2011). Study of the Opposition between truth and Reality in the History of Bayhaqi based on Discourse Analysis. *Literary Researches*, 44(9), 99-122. [In Persian]
- Parastesh, Sh., Sassanikhah, F. (2010). Representation of Gender in the Discourse of the Novel from 1996 to 2005. *Woman in Culture and art*, 1(4), 55-74. [In Persian]
- Javadi Yeganeh, M. R., Sohofi, S. M. A. (2013). Feminine narration of the war: critical Analysis of da Diary. *Literary Criticism*, 6(25), 85-110. [In Persian]
- Jahangiri, J., Bandar Rigzadeh, A. (2013). Language, Power, and Ideology in Norman Fairclough's Critical Approach to Discourse Analysis. *Theoretical Policy Research*, (14), 57-82. [In Persian]
- Haddadi, E., Daoodimoghaddam, F., Gorji, M. (2012). Discourse and Social Action in a Zero Degree Latitude Novel Based on Fairclough Discourse Analysis Model. *Literary Criticism*, 5(18), 25-50. [In Persian]
- Raghib Dust, Sh., Mehrabi, M. (2010). Sentence Processing and Mental Representation of Verbs in Persian. *Scientific and research quarterly journals of Al-Zahra University*, 1(2), 1-24. [In Persian]
- Saeidnia, G. (2009). Language and globalization; Norman Fairclough. *Language and Linguistics*, 5(10), 181-186. [In Persian]
- Mahallati, H. S. M. M. A. (1980). *Memoirs of Hajj Sayyah or the period of fear and horror*. By Hamid Sayyah. 3 Edition. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Shamisa, S. (2004). *A New Look at Badie (Rhetoric)*. Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Safavid, K. (2008). *An Introduction to Semantics*. 3 Edition. Tehran: Institute of Islamic Culture and Art. [In Persian]
- Fairclough, N. (2010). *Critical Analysis of Discourse*. Translators Group. Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance. [In Persian]



- Faqih Malek Marzban, N., Ferdowsi, M. (2014). Critical Analysis of Sufi Discourse. *Classical Persian Literature*, 5(3), 88-121. [In Persian]
- Mohseni, M. J. (2012). An Inquiry into the Theory and Method of Fairclough Discourse Analysis. *Journal of Knowledge*, 3(3), 63-86. [In Persian]
- Miri, A., Mahdi, M. J., Sharifi, Sh., and Mahmoudi Bakhtiari, B. (2000). Comparison of the power of two central characters in the novel *Smokeless Fire* (Using " Theory of Inequality of Power in Dialogue by Fairclough and Michael Short's model). *Literary Researches*, 9(5), 143-166. [In Persian]
- Anonymous. (2018). *How will the Correct Use of Definite and Indefinite Verb Change Your Relationship?*. Retrieved from the Website: WWW.unlimitedpower.ir. [In Persian]
- Naseri, Z. S., Faroghi Handavalan, J. Al-lah., Naseri, A. and Mohammadi, I. (2011). Critical Discourse Analysis of the Story of Bonasr Meshkan's Death Based on Norman Fairclough's Approach. *Linguistics*, 3(4), 85-110. [In Persian]
- Hashemi, Z. (2010). Theory of Conceptual Metaphor from the Viewpoint of Lycoff and Johnson. *Literary Research*, 4(12), 119-140. [In Persian]



**استناد به این مقاله:** دیباج، مزگان، باقری، بهادر، پارسانسب، محمد، نوریان، مهدی. (۱۴۰۰). نشانه‌های زبانی در خاطرات حاج سیاح بر اساس الگوی فرکلاف. *متن پژوهی ادبی*، ۲۵(۹۰)، ۸۷-۱۱۱. doi: 10.22054/ltr.2020.38677.2535



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.